

واکاوایی ژئوپلیتیک روابط پاکستان و ایران: با تاکید بر تهدیدات
ابوالقاسم اویسی کهخا^۱ - احمد رهدار^{۲*} - یاسر کهرازه^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

چکیده:

پاکستان از زمان استقلال تاکنون یکی از بی‌ثبات‌ترین، بحران‌خیزترین کشورهای جهان بوده است، اما همواره از اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک خاصی در دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد به ویژه دوران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخوردار بوده است و آمریکا نیز جایگاه برجسته‌ای به پاکستان در نبرد علیه تروریسم اختصاص داده است. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که مهمترین عوامل تنش و تهدید، بر مبنای حاکمیت ژئوپلیتیک در روابط دو کشور ایران و پاکستان کدام است. پژوهش توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، این فرضیه مطرح است که با عنایت به شرایط داخلی پاکستان و مشکلات حل نشده این کشور با همسایگانش، به نظر می‌رسد پاکستان با وجود ۹۸۷ کیلومتر مرز مشترک با ایران، تهدیدزا و تنش‌آفرین است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، پاکستان، جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2102-1774

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشکده علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

۲- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم قم، قم، ایران: نویسنده مسئول

fotooh.r@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

مقدمه

شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپلیتیک کشورهای همسایه از مهمترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دو جانبه باید مدنظر قرار گیرد. کشورهای که دارای تقارن جغرافیایی هستند در بیشتر مناطق ارتباط دوجانبه و چندجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همدیگر تأثیر می‌پذیرد؛ کشور پاکستان علاوه بر تقارن جغرافیایی، دارای تقارن فرهنگی و قومی (دو بلوچستان) با جمهوری اسلامی ایران است. شناخت و درک متغیرهای جغرافیای سیاسی همسایگان، به عنوان یک کد ژئوپلیتیکی، ضرورتی است برای کشف کدهای مضر؛ حذف و یا به حداقل رساندن اثر آنها است. لذا جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتواند بر چالش‌ها و تنگناهای پیرامونی غلبه، چالش و رقابت‌های ناسازگار ژئوپلیتیکی را به همکاری تبدیل کند؛ نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپلیتیک کشورهای همسایه و شناخت آنها می‌باشند؛ کشور پاکستان با داشتن حدود ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارای طیفی از مشکلات داخلی نظیر اقتصاد ورشکسته و بیمار، افراطی‌گری، فقدان دموکراسی، تجمع قدرت در دست ارتش و ژنرال‌ها، نفوذ بیش از اندازه گروه‌ها و احزاب اسلامی، خسارات ناشی از حوادث طبیعی، فساد اداری و غیره (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۸) توان تأثیرگذاری بالایی بر همسایگان و از جمله ایران دارد. بررسی‌های گوناگون نشان از این واقعیت است که پاکستان در بعد خارجی با تمامی همسایگان خود (جز چین) در تنش است. چندین جنگ با هند بر سر مسئله حاکمیت بر سر کشمیر، تلاش همیشگی برای نفوذ در افغانستان جهت فائق آمدن بر بحران قومی - قبیله‌ای پشتون‌ها؛ تنش‌های ایدئولوژیک، تنش‌های مرزی، چالش‌های قومی و... با ایران (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۲) همگی نشان از لزوم مطالعات جدی و کارا در زمینه شناخت مسائل کشور پاکستان و مناسبات این کشور با همسایگان است. در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثابت و پایدار شامل: ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی دینی و تروریسم، تحولات افغانستان، نوع مناسبات هند و پاکستان که ترکیب بامولفه‌های متغییری چون نوع نگرش نخبگان سیاسی حاکم بر دو کشور، تحولات منطقه آسیای جنوب غربی و نظام بین‌الملل، سرنوشت مناسبات دوجانبه ایران و پاکستان و به عبارت بهتر، کیفیت رقابت و همکاری دو کشور را رقم زده است.

پیشینه تحقیق

محرابی (۱۳۹۸) در مقاله مطالعه ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد: رقابت ژئوپلیتیکی میان ایران و پاکستان می‌تواند تاثیر بسیار زیادی

بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد هر دو کشور داشته باشد. با اینکه کشور پاکستان دارای چالش‌های زیادی است، اما کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی عملیاتی ساختن زمینه‌های همکاری و از بین بردن تقابل میان دو کشور، رقابت آنها را در سطح منطقه محتمل می‌کند نگاهی به مدل تحلیل ژئوپلیتیک پاکستان نشان می‌دهد که همکاری‌های آن کشور با ایران در مسائلی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، اکو، مسائل قومیتی، خط لوله گاز ایران- هند (انرژی) و گروه D-8 نهفته شده است.

معدنی (۱۳۹۵) با تحقیق و بررسی در حوزه جنوب شرق کشور در کتاب ظرفیت‌های راهبردی جنوب شرق ایران عنوان می‌دارد: جنوب شرق ایران با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق- العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولید کننده قدرت در کشور است که تاکنون مورد غفلت واقع شده است. سواحل جنوب شرقی ایران با داشتن ساحلی طولانی و مناسب دارای همه ویژگی‌های محیط طبیعی، اقتصادی و نظامی برای تبدیل شدن ایران به یک قدرت دریایی را در خود جای داده است.

کیانی مقدم و همکارانش در مقاله تحلیلی بر وضعیت و ظرفیت بندر چابهار در مقایسه با بندر گوادر جهت تبدیل شدن به دروازه‌ی شاهراه اقتصادی آسیای میانه و اروپای شرقی عنوان کرد: بندر چابهار به جهت برخورداری از موقعیت ممتاز در شرق تنگه هرمز و دریای عمان در مسیر خطوط اصلی کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا قرار گرفته و به عنوان کوتاه‌ترین راه ارتباطی و ترانزیتی کشورهای آسیای میانه و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط جهان مطرح است. دو بندر گوادر در پاکستان و چابهار در ایران با داشتن موقعیت استراتژیک و مهم، قابلیت تبدیل شدن به دروازه شاهراه اقتصادی آسیای میانه (کریدور تجاری شمال- جنوب) را دارند.

محمودی (۱۳۹۷) بالاگفشه و همکاران در مقاله الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم عنوان کرد: الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز می‌بایست با توجه به مؤلفه‌های مافیای مواد مخدر، قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان، وجود مرزهای طولانی مشترک، سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان، شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های جندالله، انصارالله، و جیش‌العدل در سیستان و بلوچستان، قرار گرفتن در کانون بحران خیز خاورمیانه، تحریکات گروهک‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران‌زا، تردهای غیرمجاز مرزی، اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در پاکستان و استفاده از ظرفیتهای اقتصادی بندرهای چابهار و گوادر شکل بگیرد.

عبدی و رجب نژاد (۱۳۹۶) در مقاله تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی سرمایه‌گذاری چین، در گوادر بر بندر چابهار عنوان کردند: ظهور قدرت‌های اقتصادی نوین در حاشیه اقیانوس هند این منطقه را تبدیل به عرصه‌ای از رقابت‌ها و کنش‌های ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در سده ۲۱ نموده است. در این راستا چین به عنوان قدرت نو ظهور جهانی در رقابت با قدرت‌های رقیب خود تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در نقاط استراتژیک اقیانوس هند نظیر گوادر پاکستان از تنگنای ارتباطی و ژئوپلیتیکی رهایی یافته و بتواند به برتری خود در عرصه اقتصاد جهانی ادامه دهد. این امر موجب می‌شود که وزن ژئوپلیتیکی و اقتصادی پاکستان ارتقاء یافته و از طرفی پیامدهایی را بر منطقه از جمله بر بندر چابهار ایران به همراه داشته باشد.

رحیمی (۱۳۹۵) در مقاله بسترها و زمینه‌های منازعه و رقابت بین کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی اقیانوس هند عنوان می‌کند: امروزه ما شاهد رقابت‌های چشمگیری بین دو قدرت منطقه‌ای چین و هند، منازعه و رقابت شدید بین هند و پاکستان و همچنین منازعه و رقابت بین ایران و پاکستان هستیم. همچنین ایالات متحده آمریکا در اقیانوس هند، حضور بسیار گسترده‌ای داشته و رقابت‌های چشمگیری بین سه کشور ایران، پاکستان و چین برای نفوذ در آسیای مرکزی بوجود آمده است.

چارچوب نظری

بیان مسأله

امروزه توسعه یافتگی از جمله برنامه‌های هر کشور و نظام سیاسی می‌باشد و کشورها در تلاشند تا از تمامی بسترهای موجود در زمینه پیشرفت و توسعه بهره برداری نمایند. مرزها در دنیای اقتصاد، سرمایه ذی قیمتی برای کشورها می‌باشند و هرگونه تبادلات اقتصادی در مرزها صورت می‌پذیرد لذا مزیت مرز بالاخص مرزهایی با دسترسی به آبهای آزاد از جمله آرزوهای هر کشور می‌باشد. سواحل مکران منطقه‌ای استراتژیک و سوق‌الجیشی برای توسعه کشور می‌باشد و با داشتن ظرفیت و پتانسیل بسیار بالایی می‌تواند به عنوان محور توسعه کشور نقش زیادی ایفا نماید و از آنجایی که اغلب جمهوری اسلامی ایران به واسطه برخی تفکرات ایدئولوژیک مورد تهدید، حمله و تحریم‌های مختلف و ظالمانه قرار می‌گیرد، دسترسی به این شاهراه می‌تواند برگ برنده‌ای جهت برون رفت از هرگونه تهدید و ایجاد بستری جهت توسعه کشور باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴) بنادر گوادر پاکستان و چابهار ایران از خصوصیات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی بی نظیری برخوردار هستند و باید به عنوان ایده آل بنادر خواهر توسعه پیدا کنند. هر دو بندر در نزدیکی تنگه هرمز واقع شده‌اند که دارای دو سوم ذخایر نفتی جهان است. قاچاق گسترده

نفت خام هر روز از طریق اقیانوس هند صورت می‌گیرد. علاوه بر این، هر دو از نظر اقتصادی و استراتژیک، بنادر بسیار مهمی هستند که مجرای اقیانوس هند را فراهم می‌کنند، جایی که سالانه حدود ۱۰۰۰۰۰ کشتی عبور می‌کنند و ۷۰ درصد از تجارت نفت جهان را تشکیل می‌دهد. اگر هر دو بندر به طور موازی با یکدیگر کار کنند، پتانسیل آنها چند برابر می‌شود و رقابت برای تسلط منطقه‌ای به وجود می‌آید. (اطاعت، ۱۳۹۴)

ظهور قدرت‌های اقتصادی نوین در حاشیه اقیانوس هند این منطقه را تبدیل به عرصه‌ای از رقابت‌ها و کنش‌های ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در سده ۲۱ نموده است. در این راستا چین به عنوان قدرت نو ظهور جهانی در رقابت با قدرت‌های رقیب خود تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در نقاط استراتژیک اقیانوس هند نظیر گوادر پاکستان از تنگناهای ارتباطی و ژئوپلیتیکی رهایی یافته و بتواند به برتری خود در عرصه اقتصاد جهانی ادامه دهد. این امر موجب می‌شود که وزن ژئوپلیتیکی و اقتصادی پاکستان ارتقاء یافته و از طرفی پیامدهایی را بر منطقه از جمله بر بندر چابهار ایران به همراه داشته باشد. (احمدی، ۱۳۹۴) از زمان امضای موافقت‌نامه سه‌جانبه میان کشورهای ایران، افغانستان و هند برای «توسعه همکاری بر محور بندر چابهار»، این مفروض که توسعه این بندر در تقابل با بندر گوادر قرار دارد، به‌طور گسترده‌ای مطرح شده است. بنادر گوادر در پاکستان و چابهار در ایران، به ترتیب پیوستگی‌های استراتژیک بین چین و پاکستان و بین هند و ایران را تحکیم کرده‌اند. این پروژه‌ها در حال ایجاد تعادل نامشخص از قدرت منطقه‌ای در زمانی هستند که ایالات متحده آمریکا نقش نظامی خود در منطقه را کاهش می‌دهد. آسیای جنوبی با توجه به اهمیت رقابت استراتژیک رو به رشد است زیرا قدرت‌های رو به رشد برای منابع و بازارهای غیرمترقبه رقابت می‌کنند و در تلاشند تا آنها را از طریق پیش بینی قدرت نظامی تضمین کنند. این رقابت در ساخت دو بندر صورت گرفته است: گوادر پاکستان، پروژه‌ای که چین آن را هدایت می‌کند و چابهار ایران، پروژه‌ای که هندوستان آن را هدایت می‌کند. تنش‌های منطقه‌ای بین هند و چین از تئوری محاصره استراتژیک ناشی می‌شود. این تئوری مبتنی بر مهار، ادعا می‌کند که محاصره جغرافیایی یک همسایه گسترش اقتصادی و غیره را سرکوب خواهد کرد و کشور پیرامون نقاط زیادی برای حمله به این کشور دارد. دولت محاصره شده، چه از طریق پایگاه‌های نظامی و چه از طریق فرصت‌هایی برای جلوگیری از رشد اقتصادی با کنترل مسیرهای ترانزیت می‌تواند این مهار را انجام دهد. در جنوب آسیا، هند از محاصره چین ترس دارد در حالی که پاکستان از محاصره هند هراس دارد. در همین حال، چین از محاصره ایالات متحده آمریکا می‌ترسد. (آریانفر، ۱۳۹۰) بر این اساس تحقیق حاضر،

در تلاش است با بهره‌گیری از نظریه منطقه‌گرایی، طرح‌های همگرایی با محوریت چابهار و گوادر را در قالب روند همگرایی آسیایی و تأثیرات آن بر امنیت و اقتصاد بررسی کند. مهمترین زمینه همکاری برای پاکستان و ایران گوادر و چابهار است که می‌تواند در را برای تغییرات مثبت باز کند. هر دو کشور باید تلاش کنند تا با هم همکاری کنند. پروژه خط لوله ایران و پاکستان باید در اسرع وقت به اتمام برسد. باید گوادر و چابهار با یکدیگر در ارتباط باشند، زیرا پیوند دادن این دو بندر می‌تواند درهای موفقیت را برای هر دو کشور باز کند. برخی از مسئولان پاکستانی اخیراً اظهار داشته: "پاکستان چابهار را به عنوان رقیب نمی‌بیند و در حقیقت در حال بررسی امکان توسعه پیوندها با گوادر است." برای همکاری با ایران در کنار پیوندهای جاده‌ای، هر دو کشور باید روی بخش انرژی و مناطق دیگر نیز تمرکز کنند. پاکستان و ایران باید اهمیت استراتژیک این بنادر را در نظر بگیرند و به جای اینکه یکدیگر را به عنوان رقیب بالقوه مشاهده کنند، باید مزایای همکاری هر دو کشور و کشورهای کل منطقه را بشناسند. هر دو کشور باید از این فرصت برای تقویت اعتماد متقابل استفاده کنند. پاکستان و ایران نباید اجازه دهند هیچ قدرت سوم موانع و دشواری‌هایی را در مسیر توسعه و تعاون همکاری‌های دو کشور ایجاد کند. در مجموع، وضعیت فعلی روابط ایران و پاکستان فاصله قابل توجهی با وضعیت مطلوب و نیز پتانسیل این روابط دارد. اولویت ژئوپلیتیک بر ژئواکونومی، تمرکز بر تهدیدها به جای فرصت‌های اقتصادی و امنیتی، نگرش مقطعی و کوتاه مدت به روابط، سنگینی بار تجربه‌های سرمایه‌گذاری‌های شکست خورده و نیز ناآشنایی اقتصادیون و تجار ایران با محیط کسب و کار پاکستان و ترجیح دادن بازارهای آشنا، از عوامل ایستایی در این روابط است. رسیدن به وضعیت مطلوب و گسترش روابط و تحکیم آنها و رسیدن به «روابط راهبردی» امکان پذیرش نگرشی استراتژیک به کلیت روابط ایران و پاکستان است. توجه به کشورهای چالش‌زا و همکاری با کشورهای هم‌افزا همچون چین، این مسیر را برای ایران و پاکستان هموار خواهد کرد. (حشمتی‌پور، ۱۳۹۹)

مفهوم‌شناسی پژوهش

ژئوپلیتیک

درباره موضوع و مفهوم ژئوپلیتیک دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است؛ بر همین اساس طیف موضوعی ژئوپلیتیک بسیار گسترده است از جمله: به عنوان دانش کسب قدرت؛ دانش رقابت و حوزه نفوذ؛ تأثیر عوالم جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها؛ دانش مناطق بحرانی و به عنوان دانش مرزهای بین‌الملل، ژئوپلیتیک به عنوان نتایج منطبق کردن دو الگوی فضایی

عرضه و تقاضای منابع حیاتی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۸)؛ تعاریف مختلف و متنوعی از ژئوپلیتیک-اند. دیدگاه‌ها درباره موضوع و ماهیت ژئوپلیتیک هنوز دارای فاصله و نارسایی‌های بسیاری‌اند. با این حال ارائه تعریف علمی از ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین‌پذیر که متشکل از سه عنصر اصلی، جغرافیا، قدرت و سیاست-بیش از سایر تعاریف رسایی لازم را دارد. ترکیب سه متغیر، قدرت، جغرافیا و سیاست، پدیده‌ها و الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند. در کنش‌های رفتاری مختلف همانند: نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، بازرگانی و داد و ستد و غیره آن را می‌توان پی‌گرفت. (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۹۳: ۲۶۰)

همگرایی

تعاریف مختلفی از همگرایی شده است؛ گاهی آن را یک فرآیند، گاهی وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی، از اختلاف سلیقه‌ای است که تحلیلگران از موضوع وحدت دارند. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۶) به عنوان مثال: ارزست هاس از جمله کسانی‌اند که معتقد است همگرایی فرآیندی است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف، به این باورند که در تأسیس دولت متمرکز وحدت به نفع آنها است که جایگزین دولت‌های قدیم شود. یا اینکه همگرایی فرآیندی است که طی آن ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های اساسی داخلی خود منصرف شده و در پی تصمیم‌گیری مشترک و یا تفویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های جدیدی ناظر هستند. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱)

واگرایی

واگرایی در مقابل همگرایی فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه بحران فراهم می‌شود. اشاره به وضعیتی اجتماعی است که دو یا چند کنشگر، هدف‌های ناسازگار را دنبال می‌کنند. نیروهای واگرا- کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم، مشکل می‌کنند. اختلاف فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی و تماس میان مناطق مختلف همگی در حکم نیروهای مرکز گریز(واگرا) عمل می‌کنند. اگر نیروهای مرکزگریز (واگرا) را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند. (مویر، ۱۳۷۳: ۱۹۹)

تبیین ژئوپلیتیک ایران و پاکستان

امروزه تدوین استراتژی رقابتی یکی از دغدغه‌های کشورهای کشورهاست. در ژئوپلیتیک بازیگران اصلی صحنه رقابت کشورهای محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی هستند. هرچند که این بازیگران جدا از یکدیگر قرار دارند ولی دارای اهداف متقابل هستند. بنابراین در ژئوپلیتیک رقابت مقوله-ای چند بعدی است و تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و غیره را شامل می‌شود. اقدامات کشورها برای بسترسازی زمینه‌های رقابتی از یک سو و استقرار مکانیزم‌های بازدارنده کشورهای فرامنطقه‌ای از سوی دیگر این مقوله پیچیده را تشکیل می‌دهد. به این خاطر رقابت ژئوپلیتیکی می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد یک کشور داشته باشد. به هر حال درمنازعه و رقابت ژئوپلیتیکی میان کشورها و به ویژه کشورهای همسایه عواملی مانند: مسائل مذهبی-ایدئولوژیکی، آب، انرژی، دسترسی و ارتباطات، ترانزیت و حمل و نقل و تسلط بر منابع و ذخایر منطقه نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در نتیجه توانایی رقابت یک کشور با کشور دیگر بستگی به پتانسیل‌های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و جهانی و استراتژی‌های خود کشور بستگی دارد و یک کشور در صورتی می‌تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تاثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد. آسیای جنوب غربی در حقیقت منطقه واسطه بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است که ایران در این منطقه به نحو شدیدی از حوادث این سه قاره، متاثر است. (صفوی، ۱۳۷۸: ۶۹) این منطقه از پنج حوزه ژئوپلیتیکی شامل: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۹۴: ۱) تنها حلقه اتصال دهنده این حوزه‌های متفاوت و جدای جغرافیایی، کشور ایران است که می‌تواند این سرزمین‌ها و حتی منابع و خصوصیات جغرافیایی آنها را به هم مرتبط سازد. در حال حاضر تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شوند که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ و چندبعدی دارند. از آنجا که رویکرد هژمونیک، منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند، همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه بر مبنای منافع طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. بررسی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و با تأکید بر جنوب خاوری کشور حاکی از آن است که راهبرد اتخاذ شده ایران در منطقه جنوب شرق کشور منطبق با فرصت‌ها و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه هماهنگ نیست. از این‌رو، در تولید قدرت ملی کشور ناکارآمد است.

مولفه‌های ژئوپلیتیکی کشور پاکستان از یک سو جغرافیایی و سیاسی بوده و از سوی دیگر می‌توانند به عنوان مولفه‌های داخلی و خارجی نیز محسوب شوند. پاکستان تنها در زیرسیستم شبه قاره و به ویژه افغانستان نقش ایفا می‌کند. این کشور سعی می‌کند به واسطه افغانستان در منطقه آسیای مرکزی از طریق ژئوپلیتیک خطوط لوله و انرژی نقش ایفا کند. همچنین سعی می‌کند تا از طریق کشورهای عربستان- امارات در فقدان پتانسیل‌های فرهنگی- اقتصادی- سیاسی بهره برداری کند. ایجاد مدل طالبان از طریق این کشور برای تحقق اهداف مذکور صورت گرفت. علیرغم اینکه پاکستان قدرت اتمی است ولی توان حضور در سیستم‌های ذکر شده را ندارد. (رضایی، ۱۳۹۴: ۲۵)

در حال، آنچه در ژئوپلیتیک پاکستان حائز اهمیت است، نقش آن در ملاحظات امنیتی است که سیاست خارجی این کشور بر آن قرار دارد (محمدی، ۱۳۹۵: ۳۵) به طوری که پاکستان سیاست خارجی خود را در سه سطح مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی با کشورها تنظیم می‌کند. اما این کشور در طی عمر حدود ۷۰ ساله خود (استقلال ۱۹۴۷) به دلیل مشکلات امنیتی، بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی، چالش‌های سیاسی درونی و منازعه با همسایه قدرتمند شرقی و جنوب شرقی خود (کشور هند) نتوانسته است از ظرفیت‌های موقعیت مکانی خود در رقابت‌های ژئوپلیتیکی استفاده کند. در سالهای اخیر به دلیل نیازهای روز افزون انرژی چین در پی رشد اقتصادی فزاینده و شهرگرایی گسترده، فروکش کردن چالش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی بین پاکستان و هند و نگرش اقتصادی و ژئواکونومیک رهبران پاکستان و چین باعث شده است تا دو کشور چین و پاکستان درصدد ایجاد کریدور اقتصادی از بندر گوادر در جنوب غرب پاکستان به استان سین کیانگ/شین جیانگ (ترکستان شرقی) در غرب کشور چین باشند.

کلیات روابط دو کشور ایران و پاکستان

از بدو استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷م، همواره نظامیان نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت سیاسی این کشور داشته و بارها حکومت را به دست گرفته‌اند، به طوری که طی بیش از دو سوم عمر این کشور، حکومت در دست نظامیان بوده است و تنها یک رئیس‌جمهور توانسته است که دوران ریاست جمهوری خود را به صورت قانونی به پایان برساند و سایر دولت‌ها یا از طریق کودتا سرنگون و یا با فشار ارتش مجبور به استعفا شده‌اند. دولت حزب «مردم» برای اولین بار در سال ۲۰۱۳م به طریق قانونی، عمر پنج ساله‌ی خود را به پایان رساند و از طریق انتخابات، حکومت را به حزب «مسلم لیگ»، شاخه‌ی «نواز شریف» واگذار نمود. سیاستمداران و رسانه‌های پاکستان این امر را مدیون ارتش دانسته و اعلام کرده‌اند که ارتش با حمایت از دموکراسی اجازه

داده است تا پاکستان روند دموکراسی‌سازی را با موفقیت طی کند و علی‌رغم اینکه چندین بار شرایط کشور بحرانی شده و شرایط برای کودتا آماده بوده، ولی ارتش در این مورد خویشتنداری به خرج داده است (و شاید هم ارتش در مقابل حکومت کوتاه آمد). طی سال‌های اخیر فرماندهان ارتش همواره اعلام کرده‌اند که از روند دموکراسی استقبال خواهند نمود. (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹)

نکته‌ی دیگری که در رابطه با پاکستان از بدو شکل‌گیری آن وجود داشته، اختلافات جدی با هند بوده است که بخش اصلی آن را ادعاهای دو طرف در مورد کشمیر تشکیل می‌دهد. بسیاری از ناظران معتقدند که مسئله‌ی نفوذ نظامیان در حکومت پاکستان و اختلافات پاکستان با هند با هم مرتبط بوده و تداوم حضور ارتش در صحنه‌ی سیاسی ناشی از وجود یک تهدید خارجی جدی (یا حداقل جدی نشان داده شده به وسیله‌ی ارتش) می‌باشد و چنین وضعیتی توانسته است که اختصاص بودجه‌های قابل توجه به ارتش را توجیه نماید. روابط جمهوری اسلامی ایران و پاکستان نیز تحت تاثیر این رویدادها قرار گرفته است و هرگاه کشورمان قصد نزدیک شدن به هند را داشته و یا از مردم کشمیر حمایت کرده، روابط دو کشور تحت الشعاع قرار گرفته است. واقعیت غیرقابل انکار دیگر در مورد پاکستان، نفوذ سنتی انگلیس و کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی در این کشور، گسترش نفوذ آمریکا در پاکستان طی دوره‌ی جنگ سرد و پس از آن، دخالت بیگانگان در بلوچستان و تقویت گروه‌های تروریستی در مرزهای شرقی این کشور می‌باشد. علی‌رغم تلاش‌های دو طرف جهت گسترش روابط، موضوعات فوق همواره روابط دو کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. جمهوری اسلامی پاکستان با حدود ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت از جمله کشورهای مهم جنوب آسیا و از همسایگان مهم ایران محسوب می‌شود. روابط ایران و پاکستان گاه به‌گاه به‌مو رسیده اما پاره نشده است. تمرکز دو کشور بر بهبود روابط بوده اگرچه در برخی از مسائل همچون به‌شهادت رسیدن دیپلمات‌های ایرانی در مزارشریف و یا ترور دیپلمات‌های ایرانی در پاکستان روابط دو کشور سرد گردید اما همواره دو دولت به دنبال همزیستی مسالمت آمیز بوده‌اند. ایران و پاکستان دو دوست نزدیک هستند و از مشترکات فراوانی برخوردارند. اگر روابط دو طرف در مسیر صحیحی که اکنون در آن قرار گرفته است، پیش برود، در آینده‌ی نه چندان دور حجم روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی این دو کشور همسایه افزایش خواهد یافت. (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۹)

ایران به نوعی گهواره تمدنی و فرهنگی کشورهای شبه قاره به ویژه پاکستان محسوب می‌شود به گونه‌ای که نخست وزیر پاکستان در سفر به تهران به قدمت زبان فارسی در این کشور اشاره کرد. شاید مهمترین مانع توسعه روابط دو کشور را بتوان در مسئله تروریسم دانست. بسیاری

از صاحب‌نظران معتقد هستند پاکستان از تروریسم به عنوان ابزاری برای فشار بر همسایگان خود استفاده می‌کند و افسار گروه‌های تروریستی در دست ارتش پاکستان است. دیپلماسی نظامی ایران و سفر فرمانده ارتش پاکستان به ایران برای اولین بار و از سوی دیگر سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران به اسلام‌آباد، تا اندازه زیادی در راستای کاهش تنش‌های مرزی ایران و پاکستان تفسیر شد. اما از سوی دیگر روابط اقتصادی ایران و پاکستان به نسبت کل تراز تجاری دو کشور حجم قابل توجهی را به خود اختصاص نمی‌دهد. مقامات جمهوری اسلامی ایران ابراز امیدواری کردند با برقراری روابط بانکی و نهایی شدن موافقت‌نامه تجارت آزاد، چشم‌انداز دستیابی به حجم مبادلات تجاری ایران و پاکستان به پنج میلیارد دلار برسد. (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۷۰)

بررسی پتانسیل‌های همگرایی در روابط ایران و پاکستان

محیط سیاسی پاکستان با منابع هویتی چالش‌زایی نظیر قومیت و نژاد، مذهب و ایدئولوژی گره خورده است که کارکردهای این منابع در دست آخر نتیجه‌ای جز خشونت ندارد. (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۲) همانطور که گفته شده، سطح اصلی منازعات ایران و پاکستان در برگزیده منازعات ایدئولوژیک است. به نوعی منازعات ایران و پاکستان در سطح دوم (هم تکمیلی) نیز از این قاعده مستثنی نیستند، بنا به سطح هم تکمیلی رقابت‌های ایران و پاکستان در افغانستان نیز به نوعی رنگ و بوی ایدئولوژیک دارد، عامل اصلی پیوند عربستان با پاکستان است. در مورد تأثیر منازعات هند و پاکستان بر روابط ایران و پاکستان باید گفت، مهمترین علت وجودی نزدیکی روابط ایران و هند به تبع از پاکستان بحث امنیت و ناامنی است، باوجود همه پتانسیل‌هایی همگرایی که ایران و هند در بسیاری از زمینه‌ها دارند، شاید مهمترین دلیل نزدیکی روابط ایران و هند در این بررسی بحث تهدید وجودی است، چیزی که از جانب گروه‌های اسلامی رادیکال - پاکستانی موجودیت مرزهای اکثر همسایگان این کشور را به چالش می‌کشد. با توجه به آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل نتایج، به ارائه پیشنهاداتی جهت همگرایی هر چه بیشتر دو کشور می‌پردازد:

۱- تنش زدایی با عربستان سعودی، پیش شرط همگرایی ایران و پاکستان

بی شک تنش‌زدایی با عربستان سعودی می‌تواند نقش بسزایی در روابط ایران و پاکستان ایفا کند. عربستان سعودی در پاکستان دارای نفوذ گسترده‌ای است. نفوذ عربستان در پاکستان بر همه شئون سیاسی، دینی، اقتصادی، فرهنگی و... آشکار و غیرقابل انکار است. عربستان سعودی در بسیاری از روزهای سخت و از جنگ شوروی در افغانستان گرفته تا تحریم‌های

بین‌المللی غرب علیه برنامه هسته‌ای پاکستان، همواره تنها حامی جدی پاکستان بوده است. سطح روابط تجاری پاکستان با عربستان حدود ۵۹ میلیون دلار برآورد شده است. فقط در طول پنج سال (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴) عربستان ۲۷۰ میلیون دلار در حوزه‌های مختلف پاکستان مثل: انرژی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مواد غذایی، کشاورزی و... سرمایه‌گذاری کرده. قابل ذکر است ۳۷ درصد از سهم سرمایه‌گذاری خارجی پاکستان، متعلق به عربستان است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵:۱۲۱)

پاکستان نیز عربستان را شریک استراتژیک خود می‌داند و در تمرکز با مسائل عربستان بسیار حساس است. در پی تجاوز هوایی عربستان به یمن در ۶ فروردین ۱۳۹۴، پرویز مشرف نخست وزیر وقت پاکستان در جریان نشستی بلندپایه در اسلام‌آباد گفت: پاکستان روابط بسیار دوستانه و نزدیکی با دولت ریاض و سایر کشورهای عضو شورای همکاری حوزه خلیج فارس دارد. هرگونه تهدید علیه عربستان با واکنش سریع و شدید از جانب اسلام‌آباد پاسخ داده می‌شود. پاکستان نه خواهان از دست دادن عربستان با مزایای فراوانش است و نه خواهان تنش با ایران با ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک، فرهنگ و قومیت مشترک است. (احمدی، ۱۳۹۴:۱۴) میتوان گفت با افزایش نگرانی‌های عربستان سعودی درباره تغییر توازن قوا در منطقه خاورمیانه به نفع ایران، دولت پاکستان بر روی طناب حرکت می‌کند، از سویی سعی دارد تا روابط خود با ایران به عنوان کشور همسایه را گسترش دهد و از سوی دیگر روابطش با عربستان سعودی را حفظ کند (ملازهی، ۱۳۹۳) باید گفت اوج‌گیری رقابت‌های شیعه- سنی بعد از تحولات بهار عربی به ضرر هر دو کشور ایران و عربستان بوده است. (دهشیار، ۱۳۸۶:۱۳۸)

با توجه به موارد یاد شده، تنش‌زدایی میان عربستان و ایران به واسطه دوستی این کشور با پاکستان و با میانجیگری پاکستان تا حد زیادی تهدیدات ناشی از افراطی‌گری گروه‌های رادیکال را از بین می‌برد. عربستان دارای بیشترین نقش در ترغیب و سازماندهی گروه‌های تهدید کننده ایران و شیعه (سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان و در پاکستان ... است). ایران برای به حداقل رساندن تهدیدات مرزهای شرقی خود به واسطه کنش خشن این گروه‌ها به تعمیق روابطش با عربستان بپردازد.

۲- ایران و پاکستان و لزوم حل بحران سیاسی افغانستان

پاکستان همیشه در دام تصورات نادرست است و با وجود تغییرات در عناصر و عوامل تعیین کننده در سیاست خارجی سیاست انعطاف‌ناپذیر و مبتنی بر خشونت و برهم زدن نظم منطقه و همسایگان شده است. (فرزین نیا، ۱۳۸۳:۴۵)

افغانستان بنا بر همسایگی پاکستان در سال‌های جهاد و مقاومت و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی همیشه نقش یک کشور حایل را بازی کرد. با توجه به چنین وضعیتی هر دو کشور ایران و پاکستان در هر سطحی که توانایی‌های لازم برخوردار بودند به عمق استراتژیک خود در افغانستان دامن زدند. همسایگی افغانستان با منطقه حساس آسیای جنوبی که به لحاظ ساختار قومیت‌ها و مذاهب مختلف، مشکلات اقتصادی، مشکلات امنیتی، رشد افراط‌گرایی و تروریسم، امنیت انرژی و... در این اواخر مستعد شدیدترین نوع بی‌ثباتی در منطقه شده است. ناتوانی کشورهای آسیای جنوبی در مهار عوامل بی‌ثباتی باعث شده که بیشترین مشکلات با افغانستان باشد. افغانستان کماکان زمین بازی بحران منطقه‌ای لاینحل است. بی‌شک پیامد بحران و بی‌ثباتی در افغانستان بیش از هر کشوری، دامنگیر ایران و پاکستان است که بیش از اینکه به بحران افغانستان دامن بزنند به رهیافت منطقی‌تری در جهت حل مسائل افغانستان بیندیشند. بحران افغانستان و ثبات امنیت این کشور بیش از اراده هر کشور ثالثی و حتی هر قدرتی در صلاحیت همسایگان با نفوذ و ذی‌صلاح است. ایران و پاکستان بیش از دیگران صلاحیت دارند. چنین منطقی یادآور نطق تاریخی ژنرال ایوب خان است. در ۷ اوت ۱۹۶۲، ژنرال ایوب خان رئیس‌جمهور پاکستان، پیشنهاد کنفدراسیونی از سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان را مطرح کرد. وی طی نطق تاریخی باید بین ایران، پاکستان و افغانستان رابطه نزدیکتری باشد؛ تا این سه کشور از: اینگونه گفت‌وگوهای داخلی مرفوع و از لحاظ خارجی محفوظ بمانند. وی گفت که مردم پاکستان، ایران و افغانستان از یک نژاداند و بین آنها ریشه عمیق تاریخی و فرهنگی وجود دارد، به عقیده وی مردم این سه کشور برای دفاع در مقابل فشارهای خارجی و سعادت خود این اتحاد را می‌پسندند مشروط به اینکه حاکمان آنها اجازه دهند. (بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۱۵)

ایران و پاکستان در کنار افغانستان باید به شکلی مثلی واحد باشند. تمرکز بر مشترکات و منافع متقابل می‌تواند رهنمودی برای یافتن یک راه حل متعارف باشد. تکیه بر فرهنگ مشترک، مرز و جغرافیای و امنیت مشترک می‌تواند پیش‌فرض‌هایی از راه‌حل‌های گوناگون باشند. نباید فراموش کرد به لحاظ تمدنی بخش اصلی از جمعیت هر سه کشور ایران و افغانستان از نژاد آریایی است. افتخارها و اسطوره‌های مشترکی، مانند: جمشید (یمه)، سام و نریمان، رستم دستان و فرامرز، میراث مشترک هر سه کشور است. (همان: ۲۰) غیر از این دو کشور ایران و پاکستان جمعیت کثیری از پناهندگان افغان را پذیرفته‌اند که به علت وجود ناامنی در افغانستان و نبود زیرساخت‌های اقتصادی برای ادامه معیشت قادر به بازگشت به کشور خود نیستند و

این امر هزینه‌ی سنگینی را به دو کشور تحمیل کرده است. وجود ناامنی داخلی در افغانستان زمینه‌ساز به وجود آمدن بحران امنیتی در دو کشور ایران و پاکستان می‌شود. روی آوردن گروه‌هایی از مهاجرین به کارهای خلاف مثل، قاچاق مواد مخدر، دزدی، انسان‌ربایی و غیره، وحشت را در بین مردم دو کشور ایران و پاکستان ایجاد و امنیت داخلی را شکننده می‌سازد. (پورخسروانی، ۱۳۸۵: ۳۴)

همکاری ایران و پاکستان با یکدیگر و تلاش در جهت جذب همکاری دیگر کشورهای منطقه-ای و جهانی برای بازگرداندن آرامش به درون افغانستان و کمک به ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و تحولات فرهنگی اجتماعی در این کشور می‌تواند موجب ایجاد فضای با ثبات در این کشور گردد. ضروری است با خروج احتمالی نیروهای آمریکا از افغانستان، ایران و پاکستان به جای سیاست‌های متضاد گذشته در افغانستان، سیاست‌های همسو و مکملی را دنبال کنند. بی‌شک ایران و پاکستان بیش از دیگران قادرند به خروج بحران از افغانستان یاری رسانند. به طور حتم ثبات افغانستان، ضمن بخشیدن امنیت به این کشور، می‌تواند تا حدود زیادی بر تنش‌زدایی روابط ایران و پاکستان نیز اثر گذارد.

۳- همگرایی هند- پاکستان و ایران بر مبنای وابستگی‌های متقابل

توجه ایران به منطقه آسیای جنوبی دیدی استراتژیک است. مهمترین مؤلفه‌ای که باعث می‌شود با وجود نقش ایران نوعی همگرایی بین دو کشور حاکم شود جایگاه منحصر به فرد ایران به لحاظ منابع انرژی است. صدور گاز ایران به کشورهای هند و پاکستان در جهت افزایش ظرفیت و تراز بازرگانی، اقتصادی و امنیتی منطقه به کار می‌آید و ایران با داشتن یک سیاست تعامل سازنده و اصولی در راستای دستیابی به بازارهای تازه، می‌تواند زمینه‌ای برای ایفای نقش در مناسبات و مبادلات منطقه‌ای و جهانی همسو با منافع ملی خود فراهم آورد. مناقشه سیاسی، مرزی، و حتی تهدیدات هسته‌ای، موانعی جدی بر سر راه روابط اقتصادی و تجاری در این منطقه است. ده‌ها سال پس از جدایی پاکستان، هر دو کشور هند و پاکستان، سیاست‌های اقتصادی درونگرا را دنبال کرده‌اند. اما از زمان اکتشاف حوزه‌ی گازی عظیم پارس جنوبی، دولت ایران نقش خود را به منظور صادرات بیشتر انرژی (گاز) توسعه بخشیده است. کشورهای جنوب آسیا مانند هند و پاکستان با برخورداری از منابع اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی در زمره بازارهای هدف ایران محسوب می‌شوند. پاکستان نقش بالقوه تأمین‌کننده‌ی این بازار را ندارد، اما مسیر ترانزیتی بالقوه‌ای برای تأمین انرژی از ایران و آسیای مرکزی است. این مهم مستلزم احداث یک خط یا دو خط لوله جدید و سرمایه‌گذاری کلان برای آماده شدن زیر

ساخته است که هم نوید بخش ثبات سیاسی است و هم امکان عملی شدن اقتصادی پروژه ها را تضمین می کند. (کوشکی و حسینی، ۱۳۹۳: ۶۶)

ایران از نظر ذخایر غنی انرژی های فسیلی و توان استخراج و صادرات جزو کشورهای مهم جهان قلمداد می شود، اهمیت این موضوع گویای این است که هند و پاکستان تأمین نیازهای انرژی خود به ایران نیاز دارند. در آینده های نزدیک، نگرانی های انرژی (از حیث امنیت و منبع، مسیر و هزینه های تأمین)، هند و پاکستان را وادار به پذیرش مصالحه بکند، ضمن اینکه چنین طرح هایی می تواند در جهت کاهش ریسک سرمایه گذاری در منطقه به همکاری منطقه ای، جذب سرمایه خارجی و شکوفایی اقتصادی منطقه جنوب آسیا کمک کند. (سازمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸) بی شک ایران به عنوان یکی از کانون های مهم انرژی، می تواند چنین نقشی را ایفا کند. به جرأت می توان گفت حل منازعات ارضی و مرزی (بحران کشمیر) دو قدرت اتمی هند و پاکستان تا حد زیادی می تواند، زمینه های ثبات منطقه ای را فراهم آورد، از این حیث ایران می تواند نقش اصلی را در روابط همگرایی هند و پاکستان داشته باشد.

۴- لزوم مشارکت واقعی ایران و پاکستان در گروه بندی های اقتصادی منطقه ای و جهانی

یکی از راه هایی که می تواند ابزار نزدیکی دو کشور را فراهم آورد مشارکت جدی دو کشور در سازمان های منطقه ای و جهانی است. از جمله ای این سازمان ها که هر دو کشور نیز در آنها مشارکت دارند می توان به سازمان اقتصادی اکو و سازمان امنیتی-سیاسی شانگهای و کنفرانس اسلامی و سازمان کشورهای اسلامی در حال توسعه موسوم به D-8 است. هر کدام از سازمان های نامبرده، دارای کارایی و توانمندی های خاص خود است. سازمان اکو هم اکنون با ده عضو حدود ۳۳۰ میلیون تن جمعیت دارد و با داشتن وسعت ۶۹۷۶۲۰۸ کیلومتر مربع کشورهای عضو از امکانات نفت، گاز و صنعت برخوردار است. سازمان شانگهای با مشارکت چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به عنوان شش عضو اصلی، اضافه شدن مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یکسال بعد با اضافه شدن سه کشور ایران، پاکستان و هند به عنوان عضو ناظر به عنوان یک سازمان قدرتمند) به واسطه سه قدرت چین، روسیه و هند) عمل می کند. سازمان کنفرانس اسلامی، نیز امروزه به عنوان بزرگترین جامعه کشورهای مسلمان در جهان قلمداد می شود. این سازمان هم اکنون با داشتن ۵۷ کشور مسلمان عضو، ۷۴ درصد ذخایر نفت شناخته شده جهان و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان و با در اختیار داشتن تنگه ها و آبراهه ها و ۱/۵ میلیارد جمعیت، از پتانسیل بسیار بالایی در معادلات جهانی برخوردار است. (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۴۱)

به طور کلی پاکستان به علت نقص ژئوپلیتیکی و فقدان عمق استراتژیک و همچنین به دلیل گنجانده نشدن در محیط امنیتی خاورمیانه، اوراسیا و جنوب شرق آسیا و انرژی است (به علت ایجاد انسداد مصنوعی توسط کشور هند) در کنار تلاش برای ائتلاف با غرب سعی در حضور نهادهای منطقه‌ای پیرامونی خود دارد. از خطوط اصلی منافع پاکستان در این گروه-بندی‌ها، تأکید بر طرح‌هایی است که قادراند به صورت بنیادین بر اقتصاد پاکستان مؤثر باشند. (نظیفکار و نوروزی، ۱۳۸۲: ۲۱)

ایران نیز با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیک خاص خود مثل قرارگیری در دالان شمال-جنوب (دریای خزر- خلیج فارس)، توان بالقوه ارتباط انرژی و اقتصادی، می‌تواند نقش بسزایی در تأمین انرژی پاکستان و سایر کشورها است. ایران و پاکستان هر دو دارای پتانسیل‌های فراوانند که می‌توانند با مشارکت فعال در سازمان‌های مذکور روند هم‌گرایی و روبه‌جلویی را تجربه کنند.

وابستگی اقتصاد و امنیت دو کشور ایران و پاکستان در توسعه منطقه

برقراری روابط تجاری، همواره نتیجه‌ی ملاحظات اقتصادی نیست بلکه در مواردی اهداف سیاسی و ملاحظات امنیتی نیز موجب شکل‌گیری ترتیبات تجاری می‌شود. محرومیت در پاکستان و همچنین استان سیستان و بلوچستان که در همسایگی پاکستان است، زمینه‌ساز فقر اجتماعی و فرهنگی بوده است. این محرومیت فرصت را برای خشونت‌گرایی در دو سوی مرز فراهم کرده و همچنین به غیر از نفوذ تفکرات مخرب، نفوذ کشورهای معاند از جمله عربستان را منجر شده است. برای گذار از عامل امنیتی در ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان و رسیدن به روابط نهادینه شده و پررنگ‌تر شدن عامل فرهنگی و اقتصادی، باید حوزه‌های مختلف دو کشور در زمینه‌های اقتصادی به هم نزدیک شوند. از این رو نیاز است تا در خصوص اقتصاد این مناطق اقدامات جدی صورت بگیرد. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد قرارگاه‌های سازندگی به دنبال محرومیت‌زدایی از سیستان و بلوچستان است. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری قابل توجه برای توسعه چابهار با همکاری هند نیز یک نقطه امید برای این استان و منطقه محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر، تأکید بر بازارچه‌های مرزی نیز می‌تواند همپای توسعه چابهار، برای توسعه تجارت کشور فرصت‌سازی نماید. (محمدی، ۱۳۹۵: ۵۱)

تبدیل مرزها از تهدید به فرصت با جلوگیری از خالی شدن مرز و رونق در بازارچه‌های مرزی مسیر است؛ در مرز مشترک ایران و پاکستان که همگی در استان سیستان و بلوچستان است، ۴ بازارچه و گذرگاه رسمی مرزی چون میرجاوه در شهرستان میرجاوه، بازارچه مرزی

کوهک و جالق در شهرستان سراوان، بازارچه مرزی پیشین شهرستان سرباز و بازارچه مرزی ریمدان شهرستان چابهار وجود دارد که از میان آنها تنها بازارچه و گذرگاه میرجاوه هم‌اکنون فعال است و بقیه به خاطر نبود امکانات زیرساختی فعلاً از دور خارج هستند. در راستای طرح «یک کمربند یک جاده» چین و قسمت منطقه‌ای آن یعنی کریدور اقتصادی چین و پاکستان (معروف به CPEC)، بندر گوادر در نزدیکی مرز ایران، اگرچه به عنوان تهدیدی علیه توسعه بندر چابهار تلقی می‌شود اما یک زمین بازی جدید برای ایران نیز هست. از سوی دیگر رشد اقتصادی کشورهای همسایه، یک مزیت برای ایران محسوب می‌شود اما در شرایط خاص، همانند اعمال تحریم‌های یک‌جانبه یا چندجانبه علیه ایران، این کشورها در کنار مبادلات معمول، به بازوهای نیابتی ایران در اقتصاد تبدیل شوند. سال‌ها، امارات متحده عربی به عنوان شریک اول تجاری ایران، مبدائی برای صادرات کالا به ایران و همچنین صادرات کالای ایرانی به سراسر جهان بود. از رهگذر همین صادرات مجدد، دبی به رشد اقتصادی قابل توجه دست پیدا کرد. فرصتی که شاید برای پاکستان فراهم بشود. بر این اساس، بسیاری از کالاهای ایرانی (که به واسطه کاهش ارزش ریال، با قیمت تمام شده کمتری تولید می‌شود) از طریق بازارچه‌های مرزی به پاکستان صادر و در کنار تلاش برای دراختیار گرفتن سهم قابل توجه از بازار ۲۰۰ میلیون نفری این کشور، آماده برای صادرات مجدد به اقصی نقاط جهان می‌شود. رونق بازارچه‌های مرزی و بنادر چابهار و گوادر، از یک سو به کاهش محرومیت در دو سوی مرز می‌انجامد که خود زمینه ساز امنیت پایدار در منطقه است و از سوی دیگر تبادلات اقتصادی دو کشور را افزایش و وابستگی متقابل ایجاد می‌نماید که خود امنیت‌ساز است. رونق بازارچه‌های مرزی و بنادر چابهار و گوادر، از یک سو به کاهش محرومیت در دو سوی مرز می‌انجامد که خود زمینه ساز امنیت پایدار در منطقه است و از سوی دیگر تبادلات اقتصادی دو کشور را افزایش و وابستگی متقابل ایجاد می‌نماید که خود امنیت‌ساز است. (محمدی، ۱۳۹۵: ۳۶)

تبیین الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم

الگوی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز می‌بایست با توجه به مؤلفه‌های مافیای مواد مخدر، قرار گرفتن دو کشور در مجاورت افغانستان، وجود مرزهای طولانی مشترک، سرمایه‌گذاری و نفوذ عربستان در پاکستان، شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های جند... انصار... و جیش العدل در سیستان و بلوچستان، قرار گرفتن در کانون بحران و از خاورمیانه، تحریکات گروه‌های تکفیری در نقاط کانونی بحران زا، تردهای غیرمجاز مرزی، اقدامات تروریستی گروه‌هایی مانند طالبان، لشکر جنگوی و سپاه صحابه در

پاکستان و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی بندرهای چابهار و گوادر شکل بگیرد. ایران و پاکستان هر دو هویت ژئوپلیتیک غالبی دارند. به همین دلیل، ژئواکونومی، هیچ‌گاه جایگاه برجسته ژئوپلیتیک را متزلزل نکرده است. برای پاکستان، بازیگری در افغانستان، کنترل تهدید هند و گسترش روابط با کشورهای اسلامی در برابر هند و نیز برای بهبود شرایط داخلی حائز اهمیت بوده است. برای ایران، پاکستان اولویت ژئوپلیتیکی اصلی به‌شمار نمی‌رود؛ به همین دلیل پاکستان هیچ‌گاه در اولویت سیاست خارجی ایران قرار نگرفت. بر این اساس مهمترین تهدیدات ژئوپلیتیکی در روابط فی مابین ایران و پاکستان به شرح ذیل می‌باشد:

- افراطی‌گری مذهبی؛ گروه‌های ضد شیعی و ضد ایرانی: افراطی‌گری، نوعی رفتار خشونت‌گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهمترین ویژگی آن «صدمه زدن» به دیگران است. افراطی‌گری مبتنی بر مذهب است؛ اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنا به مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. افراط‌گراها قصد دارند با تسلط بر دولت‌ها، آموزه‌ها و قوانین مورد نظر خود را در همه ارکان و شؤن جامعه جاری کنند. بی‌شک، اصلی‌ترین منبع تنش در روابط ایران و پاکستان، حول مسائل ایدئولوژیک و مذهبی است که تاکنون به تنش‌های جدی در روابط دو کشور منجر شده است.

- رادیکالیسم قومی: نفوذ عربستان و پاکستان بر اهل سنت ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است؛ به طوری که دانشگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی عربستان سالانه تعداد درخور توجهی بورسیه در اختیار دانشجویان اهل سنت ایران می‌گذارد. همین مسئله در مورد پاکستان نیز صدق می‌کند. علاوه بر این، پاکستان با تقویت گروه‌های افراطی در مرزهای ایران و آموزش مذهبی و عملیاتی آنها در خاک خود، باعث شده تا این موضوع به چالشی امنیتی در روابط دو کشور تبدیل شود. ترویج تفکرات مذهبی وهابیت؛ به ویژه تلاش برای تکوین تشکل‌های متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت، موجب افزایش همگرایی اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی خاور و جنوب خاوری ایران شده است. همچنین، برخی از گروهک‌های تروریستی، نظیر «جندال» و در شکل جدیدتر در «جیش‌العدل» پاکستان و بلوچستان و با برخی از علمای تندرو در پاکستان در ارتباط هستند، که تحت تعلیم آموزش نظامی برخی از عناصر القاعده هستند.

- چالش‌های سیاسی: نقش عربستان سعودی؛ عربستان سعودی یکی از مهمترین متحدان منطقه‌ای پاکستان محسوب می‌شود. سابقه همکاری دو کشور به جنگ افغانستان و همکاری در

تقویت مجاهدان افغان در مبارزه با شوروی در دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد؛ منتها اوج روابط عربستان سعودی و پاکستان به دوران ریاست ژنرال ضیاءالحق بر می‌گردد. به طور کلی، روابط عربستان سعودی و پاکستان در همه زمینه‌ها گسترده است. کمک‌های مالی فراوان و دائم به اقتصاد ورشکسته پاکستان، همگرایی در مذهب و ایدئولوژی، روابط گسترده راهبردی و نظامی و ... بخشی از مناسبات دو کشور است. واقعیت این است که عربستان، در همگرایی با پاکستان و واگرایی کامل با ایران است. رقابت دو کشور ایران و عربستان در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان عرب و اسلام و حتی در صحنه بین‌المللی، گویای توانایی اندک آنها در بسط همکاری‌های دوجانبه است؛ منتها ریشه اصلی منازعات ایران و عربستان را باید در مسائل مذهبی جستجو کرد؛ به طوری که عربستان دارای بیشترین نقش در تجهیز و سازماندهی مدرسه‌های مذهبی در پاکستان و گروه‌های ضد شیعی این کشور است. (هراتی و معینی پور، ۱۳۹۱: ۶۲)

- اهداف متضاد در افغانستان: در روند تکوین روابط میان پاکستان و ایران، کشور افغانستان به عنوان یک متغیر مهم امنیتی حضور دارد. نقش افغانستان در این میان به دلیل مشترکات فراوان فرهنگی، قومی و دینی با هر دو کشور ایران و پاکستان پررنگ است. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (اکثر متعلق به قوم تاجیک، هزارها و قزلباش) به ایران و گرایش برخی دیگر (اکثر بلوچ‌ها و پشتون‌ها) بیشتر به پاکستان است که همین موضوع سبب شده که دو کشور همسایه در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل اتکایی به دست آورند و در مواقعی نیز افغانستان حوزه رقابت و نفوذ این دو کشور باشد. از دیگر چالش‌های ایران و پاکستان، در افغانستان؛ حمایت پاکستان از طالبان است. پاکستان، با حمایت از این گروه ضمن حفظ نفوذ خود قصد دارد در برابر دولت‌های ضد پاکستانی در افغانستان، از طالبان به عنوان یک سرمایه راهبردی بهره‌بردار؛ اما از نظر ایران، طالبان جریانی منحرف است که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، با تفسیر افراطی از آموزه‌های دینی و اقدامات خشونت‌آمیز، تخریب چهره واقعی اسلام و مهار سیاست‌های ایران را در سطح منطقه دنبال می‌کند. همچنین، ادامه فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اعمال اقدامات تروریستی علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ در آسیای مرکزی، از جمله چالش‌های مهم ایران و پاکستان در صحنه تحولات افغانستان به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

گسترش منازعات خونین خاورمیانه به منطقه جنوب و مرکز آسیا مسلماً برای هیچ‌کدام از

بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی خوشایند نمی‌باشد. به‌خصوص آنکه این منطقه مرکزی خود دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی برای بحران است. وجود اقوام و مذاهب گوناگون، فضایی آکنده از جدایی طلبی‌ها و نارضایتی‌ها را در منطقه به وجود آورده است. دولت پاکستان سال‌ها است که از گروه طالبان حمایت می‌کند اما اکنون این کشور خود در دام یک گروه تندرو داخلی گرفتار شده است. حمله ارتش پاکستان به مسجد سرخ سرآغاز نبرد دولت با مذهب خشونت طلب در پاکستان به شمار می‌رود. حادثه مسجد سرخ در پاکستان نشان‌دهنده تفکر نوین وهابیت است که سرچشمه آن در شبه جزیره عربستان است. رابطه عالمان حنفی مذهب پاکستان با حوزه‌های علمیه عربستان، امارات و کویت به این جریان افراطی‌گرایانه کمک شایانی می‌کند. شاید بتوان حادثه اخیر مسجد سرخ پاکستان را با روی کار آمدن فتح الاسلام مقایسه کرد. این دو حرکت از یک جریان فکری مشترک نشأت می‌گیرند، به عبارت دیگر مخرج مشترک فتح-الاسلام و حادثه مسجد سرخ، بنیادگرایی سلفی و تفکر جمود و قشری‌گری است. به هر حال حوادث تروریستی، بمب‌گذاری، ضدیت با شیعه و به چالش کشاندن دولت پاکستان خود نشان‌دهنده تکمیل کمربند تروریسم افراطی از جنوب آسیا تا شمال آفریقا است. بعد از استقلال کشور پاکستان، مذهب به عنوان عنصری مهم در شناخت جامعه‌شناسی این کشور مطرح بوده و جامعه پاکستان و قانون اساسی این کشور بر پایه شریعت و دین بنا نهاده شده است اما سیاست خارجی این کشور بعد از خروج شوروی سابق از افغانستان به سمت بلندپروازی‌های سیاسی رفته و در این دوران، کشور پاکستان تصمیماتی در سیاست خارجی خود اتخاذ کرده که مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی نبوده است. موقتی بودن این تصمیمات یکی دیگر از دلایل ضعف تصمیمات خارجی پاکستان می‌باشد.

منابع فارسی

کتاب

- حمیدرضا محمدی، ابراهیم احمدی (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک ایران و پاکستان (زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی منطقه‌ای)، چاپ اول، تهران، نشرانتخاب
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد، انتشارات پاپلی
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، تاریخ و اصول روابط بین‌المللی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت
- فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۳)، سیاست خارجی پاکستان، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران، نشر قومس
- محمدرضا حافظ‌نیا، مراد کاویانی راد (۱۳۹۳)، فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌ای روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران، سمت
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- منوچهر محرابی، اقتدار نژاد (۱۳۸۸) سیاست خارجی ایران در دولت احمدی‌نژاد، تهران، نشر دادگستر
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۵)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه
- نوروزی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، چشم‌انداز سیاست خارجی ایران: تعامل یا تقابل؟ در مجتبی مقصودی (گردآورنده) ایران، سیاست و آینده‌شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

مقالات

- احمدی، زهرا (۱۳۹۴)، تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های هم‌گرایی در منطقه غرب آسیا، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره اول ۱۸
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۵)، ژنرال ایوبخان و پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون، ایران، پاکستان و افغانستان، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۴، شماره ۱۴
- بهاره سازمند، فریبرز ارغوانی (۱۳۹۳)، ایران، چین و چالش‌های فراروی همکاری فراگیر، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز

- پورخسروانی، انیس (۱۳۸۵)، همکاری ایران و پاکستان در زمینه امنیت انسانی: موانع و راهکارها، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا
- جواد اطاعت، ابراهیم احمدی (۱۳۹۴)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۴
- حشمتی‌پور، رسانا (۱۳۹۹)، جاده ابریشم راهگشای توسعه گردشگری در کشورهای اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، استان قزوین، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام
- رضایی، هادی، (۱۳۹۴)، واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیج فارس با ایران و تأثیر آن بر جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۵
- محمدصادق کوشکی، سیدمحمود حسینی (۱۳۹۳)، چشم‌اندازی بر درگیری‌های قومی در پاکستان، مطالعه موردی: شهر کراچی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ششم، شماره ۲۰
- محمدجواد هراتی، مسعود معینی‌پور (۱۳۹۱)، سناریونویسی و آینده حیات سیاسی انقلاب ایران، فصلنامه سیاست، دوره چهل و دوم، شماره ۳
- معدنی جواد (۱۳۹۵)، ظرفیت‌های راهبردی جنوب شرق ایران، همایش ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران
- سایت
- آریانفر، عزیز (۱۳۹۰)، جایگاه ناپیدای افغانستان در جاده ابریشم جدید، بخش دوم، قابل دسترس در سایت ایراس